بحثی در مناسبات
حسینعلی بهاء و روسیه

رضا قریبی



بسم الله الرحمن الرحیم

بحثی در مناسبات حسینعلی بهاء و روسیه

نویسنده:

رضا قریبی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بحثی در مناسبات حسینعلی بهاء و روسیه

مشخصات کتاب

(پیوند دیرپا با استعمار تزاری)

بر گرفته از کتاب:

بهائیت آن گونه که هست

مؤلف: رضا قریبی

مقدمه

منابع غیر بهائی، میرزا حسینعلی بهاء پیشوای بهائیان (و نیز برادرش صبح ازل، پیشوای ازلیان) را به خبرچینی برای سفارت روسیه متهم می‌سازند. عبدالله بهرامی (از عناصر مشروطه خواه و دموکرات صدر مشروطه، و از صاحب منصبان عالی نظمیه) می‌نویسد: «میرزا حسینعلی را عده‌ای از اشخاص مطلع، جزو خفیه‌نویسان سفارت روس معرفی نموده‌اند». [۱] هاشم محیط مافی، از روزنامه‌نگاران آن عصر نیز بهاء و ازل را راپرتچی سفارت روسیه معرفی می‌کند. [۲] . جدا از صحت و سقم این اتهام، شواهد متعددی وجود دارد که پیوند آشکار میان حسینعلی بهاء و روسها را مدلل می‌دارد و حتی مآخذ معتبر بهائی (تلخیص تاریخ نبیل، مقاله شخصی سیاح، قرن بدیع و الکواکب الدریه) بدان تصریح دارند. یکی از مهمترین و آشکارترین این شواهد، اقدام جدی پرنس دالگوروکی (سفیر روس در ایران) برای نجات بهاء (از زندان و اعدام) پس از ترور نافرجام شاه، و بدرقه بهاء توسط غلامان سفارت تا مرز عراق [۳] است که صدور لوح از سوی بهاء خطاب به تزار روسیه در تشکر از حمایت دالگوروکی [۴] را در پی داشت. تحقیق زیر، به بررسی پیوند دیرین میان بهاء و خانواده او با روسیه می‌پردازد:

منسوبان نزدیک بهاء، در سفارت روس

منابع تاریخی (اعم از بهائی و غیربهائی) از حضور بستگان نزدیك بهاء: میرزا حسن نوری (برادر بزرگ بهاء)، میرزا مجید خان و میرزا ابوالقاسم خان آهی (بترتیب: شوهر خواهر و خواهرزاده بهاء) به عنوان «منشی» در سفارت روسیه در تهران خبر می‌دهند. [۵] آواره (آیتی بعدی)، مبلغ و مورخ پیشین بهائیت، تصریح می‌کند که: میرزا حسن، برادر بزرگ بهاء، منشی سفارت روس در تهران بود. [۶] شوقی افندی نیز می‌نویسد: «در زرگنده میرزا مجید شوهر همشیره» بهاء یعنی میرزا مجید خان آهی «در خدمت سفیر روس پرنس دالگورکی سمت منشی‌گری داشت...». [۷] این رسم در خاندان آهی ادامه یافت، چندان که عموی مجید آهی (وزیر مشهور عصر پهلوی) منشی سفارت روس در تهران بود و مجید به کمك او برای تحصیل به پایتخت تزار رفت و رشته حقوق را گذراند. [۸] . پدر حسینعلی بهاء و صبح ازل، میرزا عباس نوری موسوم به میرزا بزرگ وزیر است. میرزا عباس، بزرگ خاندان خویش محسوب می‌شد و حضور چشمگیر و گسترده منسوبین نزدیکش (یعنی، پسر بزرگ، داماد و نوه‌های دختریش) در سفارت روسیه، که بویژه در ایران آن روزگار، امری عادی به نظر نمی‌رسد، قاعدتاً بدون آگاهی و موافقت وی صورت نگرفته است، و این امر، پژوهشگر تیزبین را به جستجوی ریشه‌ها و رشته‌های ارتباط بین خود میرزا عباس با روسها وامی‌دارد. اتفاقاً بررسی زندگی میرزا عباس و «شبکه ارتباطات سیاسی» او نیز رد پاهایی از روسیه را در پرونده‌اش به دست می‌دهد. و این امر نشانگر آن است که پیوند حسینعلی «بهاء» با روسها، ظاهراً سابقه‌ای دیرین داشته و به روزگار حیات پدرش، میرزا عباس، می‌رسد.

پدر بهاء؛ منشی پرنس «روس فیل»

میرزا عباس نوری (میرزا بزرگ وزیر)، پدر حسینعلی بهاء (مؤسس بهائیگری) و یحیی صبح ازل (بنیادگذار ازلی گری) است. میرزا عباس، در دستگاه شاهزاده امام‌وردی میرزا (پسر فتحعلی شاه و کشیکچی باشی یعنی رئیس گارد مخصوص سلطنتی) کار می کرد و وزیر و منشی او بود. عباس از ۱۲۳۰ق به وزارت امام‌وردی منصوب شد و شهرت وی به وزیر نیز از همینجا بود. [۹] . امام وردی، مخدوم میرزا عباس، از عناصری است که رد پای ارتباط با سفارت روسیه در کارنامه او مشهود است. از کلام مهدی بامداد برمی‌آید که پس از قتل گریبایدوف (سفیر مغرور و فتنه‌جوی روسیه) در ۱۲۴۴ق، خانه امام‌وردی میرزا در تهران چندی منزلگاه سفرای روس بود [۱۰] ، و با توجه به این‌که انتخاب اشخاص برای میهمانداری از سفرای بیگانه، بی‌حساب و کتاب نبوده و علایق و سلایق سیاسی آنان، نوعاً در انتخابشان برای این گونه امور، لحاظ می‌شد) این امر از وجود نوعی «خصوصیت» بین امام‌وردی و سفرای همسایه شمالی حکایت دارد. دست‌کم باید گفت که اقامت سفرای روس در خانه پرنس قجر، زمینه‌ساز «تشدید و تقویت» روابط وی با آنان بوده است. چنان که این امر، در ماجرای مرگ فتحعلی شاه و بحران سیاسی پس از وی، آشکار شد. امام‌وردی از دولتمردانی بود که در جریان انتقال سلطنت از فتحعلی شاه به محمد شاه قاجار (جمادی‌الثانی ۱۲۵۰) به رقبای شاه جدید پیوست و حتی به دستور برادر بزرگش: علی شاه ظل‌السلطان، با ۱۵ هزار سرباز به قزوین شتافت تا راه را بر ورود شاه و وزیرش (قائم مقام فراهانی) به پایتخت ببندد، که البته قشون‌کشی وی پایانی فضاحتبار داشت [۱۱] و با پیش‌بینی شکست یاران خود، به «چادر ایلچی روس پناهید». [۱۲] این پناهندگی برای امام وردی طبعاً مصونیت سیاسی به همراه داشت و لذا در جریان داغ و درفش همپیمان‌های سیاسیش (ظل‌السلطان و...) توسط محمد شاه و قائم‌مقام، چون «در پناه دولت روس بود، کسی به او متعرض نمی‌شد و باقی گرفتار بودند». [۱۳] . سال بعد، در ربیع‌الاول ۱۲۵۱، جمعی از شاهزادگان مخالف شاه (از جمله امام‌وردی) به قلعه اردبیل فرستاده شدند و امام‌وردی ۳ سال بعد (ربیع‌الثانی ۱۲۵۴) به اتفاق برادرانش: ظل‌السلطان و رکن‌الدوله «از قلعه اردبیل گریخته و به دولت روس تزاری پناهنده شدند. دولت روسیه درصدد برآمد که شاهزادگان فراری را با ماهیانه مکفی در قراباغ یا ورشو منزل دهد ولی شاهزادگان توقعات دیگری داشتند که مورد قبول امپراتور قرار نگرفت. این واقعه مصادف بود با محاصره هرات از طرف محمدشاه و مقارن با مسافرت نیکولای اول به ایروان و چون در این اوان مقامات» تزاری «بنا به مقتضیات سیاسی از دولت ایران پشتیبانی می کردند موافقت با تقاضاهای غیر موجه فراریان [به سلطنت رسانیدن آنان در ایران] معقول به نظر نمی‌آمد». [۱۴] لذا آن سه تن نهایتاً ناگزیر شدند برای دستیابی به نقطه اتکا بهتر، به کشور عثمانی بروند [۱۵] که آن زمان، پیوندهای عمیقی با دولت انگلیس داشت. تزار البته هنگام عزیمت آنها به عثمانی، از ایشان نزد شاه ایران وساطت و ضمانت کرد [۱۶] و خود ظل‌السلطان در نامه به پالمرستون، وزیر خارجه انگلیس (اول رمضان ۱۲۵۴ق) خاطرنشان ساخت که: «بعد از فرار از قلعه اردبیل، مدت هفت ماه در حمایت دولت علیه امپراتور اعظم [تزار روسیه] بودیم و ایلچی دولت علیه ایشان [یعنی سفیر روسیه در ایران] هم دخیل این امر بود». [۱۷] آنان پس از ورود به عثمانی در خط سازش با انگلستان افتادند که خود داستانی دراز و عبرت‌انگیز دارد. [۱۸] منابع بهائی اظهار می‌دارند که در ایام تبعید حسینعلی بهاء در عراق، پسران ظل السلطان، شجاع الدوله و سیف الدوله، جزو میهمانان دائمی بهاء بودند. [۱۹] . پدر حسینعلی بهاء، میرزا عباس نوری، مدتها کارگزار شاهزاده روس‌فیل: امام وردی میرزا، بوده است. امام وردی، ضمناً داماد محمدخان قاجار [۲۰] و شوهر خواهر پسر وی: محمدحسن خان سردار ایروانی، بود که تاریخ، هر دو ـ محمد خان و محمدحسن خان ـ را از وابستگان سیاست روسیه در ایران می‌شناسد. عباس امانت (مورخ بهائی‌تبار) از محمدحسن خان با عنوان «یکی از تحت الحمایگان جاه‌طلب روسیه» یاد می کند. [۲۱] محمد حسن خان سردار، از قضا متهم به دخالت در توطئه ترور نافرجام ناصرالدین شاه (شوال ۱۲۶۸ق) بود [۲۲] که حسینعلی بهاء نیز در ردیف متهمان ردیف اول آن قرار داشت. چنانچه از روابط دیرین میان خانواده بهاء با روسها بگذریم، به روابط شخص وی با عمال روسیه در ایران می‌رسیم که منابع بهائی هم بدان

تصریح دارند.

دریا بیگی روسیه، و تلاش برای حفظ جان بهاء

می‌دانیم که یکی از مهمترین آشوبهای بابیان، در قلعه شیخ طبرسی (واقع در مازندران) روی داد که مقدمات آن در زمان محمدشاه قاجار فراهم شد ولی آتش آن در زمان ناصرالدین شاه (و صدارت امیر) سربرزد و دولت مرکزی، تنها پس از کوششهای زیاد و دادن تلفات گران، توانست آن فتنه را سرکوب کند. در جریان آن فتنه، برای حسینعلی بهاء نیز (که قصد پیوستن به بابیان در قلعه را داشت) توسط حکومت ایران مشکلاتی پدید آمد که روسها به کمکش شتافتند. توضیح این‌که: قبل از شروع درگیری قلعه طبرسی، به قول «الکواکب الدریه» (از مآخذ مشهور بهائی):حسینعلی «یک وقتی در جز [بندر گز سابق] که قریه [ای] از قراء مازندران است تشریف داشته و در آنجا مستخدمین و سرحدداران دولت روس، ارادتی شایان به حضرتش یافته، اراده کرده‌اند که آن حضرت را از دست مأموران ایرانی گرفته و یا فرار داده به روسیه ببرند» ولی میرزا قبول نکرده است. تا این‌که بزودی خبر مرگ محمدشاه می‌رسد و «دریابیگی روس اظهار سرور کرده» است. «خلاصه، آن قضیه وفات شاه هرچند امر را بر اصحاب مازندران [مقیم قلعه طبرسی] سخت کرد، ولی از طرفی سبب نجات حضرت بهاءالله شد و آن حضرت سالماً به طهران مراجعت فرمود...». [۲۳] . مؤلف کواکب الدریه، که بعدها از بهائیت برگشته و کتاب «کشف الحیل» را در افشای ماهیت بهائیان نوشت، در کشف الحیل، به لوحی از عبدالبها خطاب به برخی از مریدان خود در بندرگز اشاره می‌کند که ضمن آن، با اشاره به ممانعت حکومت آمل از نزدیک شدن بهاء به مجتمعین قلعه شیخ طبرسی، و رفتن بهاء به بندرگز، می‌نویسد: «پس جمال مبارک [بهاء]... در بندرجز تشریف بردند و سرکرده‌های جز نهایت رعایت و احترام را مجری داشتند. پس محمد شاه، فرمان قتل جمال مبارک [بهاء] را به واسطه حاجی میرزا آقاسی صادر نمود و خبر محرمانه به بندر جز رسید. از قضا در دهی از دهات سرکرده روز بعد موعود بودند. مستخدمین روسی با بعضی از خوانین بسیار اصرار نمودند که جمال مبارک به کشتی روس تشریف ببرند و آنچه اصرار و الحاح کردند قبول نیفتاد، بلکه روز ثانی صبح با جمعی» بسیار «به آن ده تشریف بردند. در بین راه سواری رسید و به پیشکار دریابیگی روس کاغذی داد. چون باز نمود به نهایت سرور فریاد برآورد و به زبان مازندرانی گفت: مردی بمرده. یعنی محمد شاه مرد. لهذا آن روز را خوانین و جمیع حاضرین... جشن عظیمی گرفتند...». [۲۴] .

پرنس دالگوروکی برای نجات بهاء از حبس و اعدام بپا می‌خیزد

چنان که گفتیم، اقدام دالگوروکی برای نجات جان بهاء از زندان ناصرالدین شاه، و تشکر بهاء از وی و تزار، یکی از مهمترین شواهد تاریخی دال بر پیوند آشکار میان بهائیت (و پیشوای آن) با روسها است. منابع بهائی تصریح می‌کنند که: پس از ترور نافرجام شاه به دست بابیان (۲۸ شوال ۱۲۶۸ق) بهاء که شدیداً در مظان اتهام بود، به خانه شوهر خواهرش (منشی سفارت روس) در زرگنده (محل ییلاقی سفارت) رفت و سفیر روس (دالگوروکی) به حمایت علنی از وی پرداخت و حتی به حسینعلی پیشنهاد کرد که به روسیه رفته و از پذیرایی دولت تزاری بهره‌مند شود. [۲۵] پس از آزادی بهاء از زندان و تبعید وی از سوی دولت ایران به عراق نیز، نماینده سفارت روس، حسینعلی را تا مرز بغداد همراهی کرد [۲۶] که گزندی به وی نرسد. حسینعلی هم بعداً لوحی خطاب به تزار (نیکلاویچ الکساندر دوم) در تشکر از کمک سفیر وی در تهران صادر کرد و بابت این لطف و حمایت، خواستار علو مرتبه از درگاه الهی! برای تزار گردید. [۲۷] . شوقی افندی (نوه و جانشین عباس افندی) با اشاره به ماجرای ترور شاه می‌نویسد: «روز بعد با نهایت متانت و خونسردی به جانب نیاوران مقر اردوی سلطنتی رهسپار شدند. در زرگنده میرزا مجید شوهر همشیره مبارک که در خدمت سفیر روس پرنس دالگورکی Prince Dalgoroki سمت منشی گری داشت آن حضرت را ملاقات و

ایشـان را به منزل خویش که متصـل به خانه سـفیر بود رهبری و دعوت نمود. آدمهای حاجی علی خان حاجب الـدوله چون از ورود آن حضـرت باخبر شدنـد موضوع را به مشارٌالیه اطلاع دادنـد و مراتب را شـخصاً به عرض شاه رسانیـد. شاه از اسـتماع این خبر غرق دریای تعجب و حیرت شـد و معتمدین مخصوص به سـفارت فرسـتاد تا آن وجود مقدس را که به دخالت در این حادثه متهم داشـته بودنـد تحویـل گرفته نزد شاه بیاورنـد. سـفیر روس از تسلیم حضـرت بهاالله امتناع ورزیـد و از هیکل مبارک تقاضا نمود که به خانه صدراعظم تشـریف ببرند. ضـمناً از مشارٌ الیه به طور صـریح و رسـمی خواسـتار گردید امانتی را که دولت روس به وی می‌سپارد در حفـظ و حراست او بکوشـد». [۲۸] عبدالحمیـد اشـراق خـاوری، مبلغ و مورخ مشـهور بهـائی، نیز آورده است: ناصـرالدین شاه «فوراً مأموری فرستاد تا حضرت بهاءالله را از سفارت روس تحویل گرفته نزد شاه بیاورد. سفیر روس از تسلیم حضرت بهاءالله به مأمور شاه امتناع ورزید و به آن حضرت گفت که به منزل صدراعظم بروید و کاغذی به صدراعظم نوشت که باید حضرت بهاءالله را از طرف من پـذیرایی کنی و در حفظ این امانت بسیار کوشـش نمایی و اگر آسـیبی به بهاءالله برسـد و حادثه‌ای رخ دهد شـخص تو مسؤول سفارت روس خواهی بود»! [۲۹] . دالگوروکی دست بردار نبود و زمانی که دولت ایران بهاء را به زندان افکند، تلاشش را ادامه بل تشدیـد بخشـید. مطـالع الانـوار می‌نویسـد: «قنسول روس که از دور و نزدیـک مراقب احوال بود و از گرفتـاری حضـرت بهاءالله خبر داشت، پیغامی شدید به صدراعظم فرستاد و از او خواست که با حضور نماینده قنسول روس و حکومت ایران تحقیقات کامل درباره حضـرت بهاءالله به عمل آیـد و شـرح اقـدامات و سؤال و جوابها که به وسـیله نماینـدگان به عمل می‌آید در ورقه‌ای نگاشـته شود و حکم نهـایی دربـاره آن محبوس بزرگوار اظهـار گردد. صـدراعظم به نماینـده قنسول وعـده داد و گفت در آتیه نزدیکی به این کار اقـدام خواهـد کرد و آنگاه وقتی معین نمود که نماینـده قنسول روس با حاجب الـدوله و نماینـده دولت [ایران] به سـیاه چال بروند. مقدمتاً... [ملا علی ترشیزی ملقب به عظیم، از روِسای وقت بابیه و مرتبط با تروریست‌ها] را طلب داشتند و از محرک اصلی و رئیس واقعی سؤال کردنـد» عظیم جنایت را گردن گرفت و «چون این اقرار را از عظیم شـنیدند قنسول و نماینده حکومت اقرار او را نوشـته به میرزا آقا خان [صـدراعظم] خبر دادند و در نتیجه حضـرت بهاءالله از حبس خلاص شدند...». [۳۰] . شوقی نیز در ادامه مطلب قبل می‌نویسـد: «از یـک طرف وسـاطت و دخالت پرنس دالگورکی سـفیر روس در ایران که به جمیع وسائل در آزادی حضـرت بهاءالله بکوشـید و در اثبات بی‌گناهی آن مظلوم آفاق، سـعی مشـکور مبـذول داشت و از طرف دیگر اقرار و اعتراف رسـمی ملا شـیخ علی ترشیزی ملقب به عظیم که در زندان حضور حاجب الدوله و مترجم سفارت روس و نماینده حکومت برائت حضرت بهاءالله را تأیید و به صراحت دخالت و شرکت خویش را در حادثه... [تیراندازی] به شاه اظهار نمود». [۳۱] .

حمایت‌ها ادامه می‌یابد

روسـها پس از دسـتگیری و حبس بهاء توسط دولت ایران نیز، جداً «مراقب احوال» وی بوده و قضایا را تعقیب می‌کرده‌اند و حتی در هنگام بازجویی و محاکمه او، نماینده آنها حضور داشـته است. به نوشـته امانت: «آهی شـخصاً در معیت» بهاء «به اردوی سلطنتی در نیاوران رفت " که بگویـد و معلوم نماید که برادر زن او بی‌تقصـیر است». ["۳۲] در جریان محاکمه نیز آن گونه که دکتر اسـلمونت (از سران بهائیت) تصریح می‌کند، «سفیر روس به برائت» بهاء «شهادت داد». [۳۳] . پیشنهاد سفیر به حسینعلی بهاء (پس از آزادی از زنـدان) مبنی بر سـفر به روسـیه، و نیز بـدرقه رسـمی بهـاء هنگـام خروج وی از ایران (به حکم ناصـرالدین شـاه) تا مرز عراق توسـط غلامان سفارت روسیه نیز، که در تواریخ معتبر بهائیت بدان تصریح شده، گامهای بعدی سفارت روسیه در حمایت از حسینعلی بود. مطـالع الانـوار می‌نویسـد: «حکومت ایران بعـد از مشورت به حضـرت بهاءالله امر کرد که تا یک ماه دیگر ایران را ترک نماینـد و به بغـداد سـفر کننـد. قنسول روس چون این خبر شـنید از حضـرت بهاءالله تقاضا کرد که به روسـیه بروند، دولت روس از آن حضـرت پـذیرایی خواهـد نمود. حضـرت بهاءالله قبول نفرمودند و توجه به عراق را ترجیح دادند، در روز اول ماه ربیع الثانی ۱۲۶۹ هجری به

بغداد عزیمت فرمودند. مأمورین دولت ایران و نمایندگان قنسول روس تا بغداد با حضرتش همراه بودند». [۳۴] . همراهی نمایندگان سفارت با بهاء، مورد اعتراف مکرر خود او قرار دارد: از جمله در «اشراقات» تصریح می کند که: «این مظلوم از ارض طا [=طهران] به امر حضرت سلطان به عراق عرب توجه نمود و از سفارت ایران و روس ـ هر دو، ملتزم رکاب بودند». [۳۵] . این امور، دقیقاً این حدس را تقویت می کند که سفارت روسیه با حسینعلی بهاء (بنیادگذار مسلک بهائیت) به عنوان فردی «تحت الحمایه روسها» و مشمول مقررات کاپیتولاسیون برخورد می کرده است. گزارش شوقی افندی از پیشنهاد سفیر به بهاء، دقیقاً (و البته به طور ناخواسته) مؤید همین امر است: «سفیر روس چون از فرمان سلطانی استحضار یافت و بر مدلول آن مطلع گردید از ساحت مبارک استدعا نمود اجازه فرمایند آن حضرت را تحت حمایت و مراقبت دولت متبوعه خویش وارد و وسایل حرکت وجود اقدس را به خاک روس فراهم سازد». [۳۶] .

تشکر بهاء از تزار و سفیر روسیه

بهرروی، حمایت کارساز سفیر روسیه از حسینعلی بها در آن برهه بحرانی، جناب بها را کاملاً نمک‌گیر ساخت، تا آنجا که لوحی خطاب به امپراتور روس صادر نمود و در آن، عمل سفیر را موجب بالا رفتنِ بسیارِ مقام امپراتور نزد خداوند شمرد. [۳۷] شوقی افندی ـ نیز از «نهایت اهتمام» و تلاش «سفیر دولت بهیه [روسیه] ایده الله تبارک و تعالی [!]... در استخلاص» بها از زندان دولت ایران سخن گفته و از «حمایت» مخلصانه و «فی‌سبیل الله»! جناب «اعلی حضرت امپراتور دولت بهیه روس ایده الله تبارک و تعالی» از بها قدردانی کرده است! باور کردنی نیست، ولی باید پذیرفت! بنگرید: «در سنین بعد در لوحی که به افتخار امپراتور روس نیکلاویچ الکساندر دوم نازل شده آن وجود مبارک عمل سفیر را تقدیر و بیاناتی بدین مضمون می‌فرماید. قوله جل جلاله: «قد نصرنی احد سفرائک اذ کنت فی السجن تحت السلاسل و الاغلال بذلک کتب الله لک مقاماً ما لم یحط به علم احد الا هو ایاک ان تبدل هذا المقام العظیم». و نیز در مقام دیگر می‌فرماید: «ایامی که این مظلوم در سجن اسیر سلاسل و اغلال بود سفیر دولت بهیه ایده الله تبارک و تعالی نهایت اهتمام در استخلاص این عبد مبذول داشت و مکرر اجازه خروج از سجن صادر گردید ولی پاره‌ای از علمای مدینه در اجرای این منظور ممانعت نمودند تا بالاخره در اثر پافشاری و مساعی موفور حضرت سفیر، استخلاص حاصل گردید. اعلی حضرت امپراتور دولت بهیه روس ایده الله تبارک و تعالی حفظ و حمایت خویش را فی سبیل الله [!] مبذول داشت و این معنی علت حسد و بغضای جهلای ارض گردید». [۳۸] .

پاورقی

[۱] خاطرات عبدالله بهرامی، ص ۳۰.

[۲] مقدمات مشروطیت، هاشم محیط مافی، به کوشش مجید تفرشی، ص ۳۵.

[۳] قرن بدیع، شوقی افندی، ۲ / ۳۳، ۸۳ و ۸۶؛ مطالع الانوار، (THE DAWN BREAKERS)، تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ترجمه و تلخیص عبدالحمید اشراق خاوری، صص ۵۹۴ –۵۹۳ و ۶۱۲ – ۶۱۱ و ۶۱۸؛ الکواکب الدریه، آواره، ۱ / ۳۳۶؛ بهاءالله و عصر جدید، دکتر اسلمونت، ص ۴۴؛ عهد اعلی...، ابوالقاسم افنان، ص ۴۹۶، ۴۹۹ – ۴۹۸ و ۵۰۰؛ قبله عالم، عباس امانت، ترجمه حسن کامشاد، نشر کارنامه، تهران ۱۳۸۳، صص ۲۹۸ –۲۹۷؛ الواح مبارکه حضرت بها ا جل ذکره الاعلی شامل: اشراقات و چند لوح دیگر، بی‌نا، بی‌تا، خط نستعلیق، صص ۱۰۴ – ۱۰۳ و ۱۵۵؛ لوح خطاب به شیخ محمد تقی اصفهانی معروف به نجفی، حسینعلی بها، لجنه نشر آثار آمری، لانگنهاین، ۱۳۸ بدیع، صص ۱۶ – ۱۴.

[۴] ر.ک، کتاب مبین، حسینعلی بها، چاپ ۱۳۰۸، ص ۷۶؛ نسخه خطی، خط زین المقربین، ۱۲۹۴ق، ص ۷۸؛ قرن بدیع، همان، ۲ /

.۸۶

[۵] ر.ک، الکواکب الدریه، عبدالحسین آواره، ۱ / ۲۵۴؛ قرن بدیع، ۲ / ۳۳؛ کشف الحیل، آیتی، چ ۷، ۱ / ۶۲ و ۲ / ۸۷، چ ۴؛ فلسفه نیکو، حسن نیکو، ۴ / ۸۶؛ مقدمات مشروطیت، محیط مافی، ص ۳۵؛ فتنه باب، اعتضاد السلطنه، توضیحات عبدالحسین نوایی، ص ۱۹۴.

[۶] الکواکب الدریه، ۱ / ۲۵۴. نیز ر.ک، مقدمات مشروطیت، ص ۳۵. آواره بعدها در برگشت از بهائیت، کتاب کشف الحیل را بر ضد این فرقه نوشت و در آن متذکر شد: در موقع حبس بها «برادر بزرگش میرزا حسن نوری منشی سفارت روس بود و بالاخره به وسیله میرزا حسن سفارت را وادار بر شفاعت کردند و پس از چهار ماه و چیزی بها به شفاعت سفیر روس از حبس خلاص و به بغداد با عائله‌اش تبعید شد» (کشف الحیل، ج ۲، چ ۴، ص ۸۷).

[۷] قرن بدیع، همان، ص ۳۳.

[۸] شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، باقر عاقلی، ۱ / ۳۸.

[۹] ر.ک، شرح حال رجال ایران، بامداد، ۶ / ۵۲ و ۱۲۷ – ۱۲۶ و ۱ / ۱۶۲. نیز ر.ک، نقطه الکاف، مقدمه ادوارد براون، لیدن ۱۳۲۸ق، ص ۳۵؛ منشآت قائم مقام، چاپ محمد عباسی، صص۲۵ –۱۹. [

[۱۰] شرح حال رجال ایران، ۶ / ۵۱، پاورقی ۸.

[۱۱] همان، ۱ / ۱۶۳.

[۱۲] سفرنامه رضا قلی میرزا، ص ۱۱.

[۱۳] همان، ص ۱۶. ۱۴. مساله.

[۱۴] رجال قاجاریه، حسین سعادت نوری، ص ۲۷۹. نیز ر.ک، شرح حال رجال ایران، ۱ / ۱۶۳.

[۱۵] چهل سال تاریخ ایران... (المآثر و الآثار، اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار، ۲ / ۶۱۷.

[۱۶] اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار...، به کوشش فاطمه قاضیها، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۸۰، صص ۱۷۷–۱۷۲ سنج با صص ۱۷۱–۱۷۰.

[۱۷] ایران و بریتانیا (۱۲۵۷ ـ ۱۲۲۴ق) به روایت اسناد ایرانی موجود در انگلستان، به کوشش حسین احمدی، چاپ وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۹، ص ۱۳۰.

[۱۸] ر.ک، همان، صص ۱۲۱– ۱۱۹. برای حقوق بگیری آنهااز عثمانی نیز ر.ک، شرح حال رجال ایران، ۱ / ۱۶۳.

[۱۹] ر.ک، بهاءالله، شمس حقیقت، حسن موقر بالیوزی، ترجمه مینو ثابت، صص ۱۶۳ – ۱۶۲.

[۲۰] رجال قاجاریه، حسین سعادت نوری، ص ۱۷۰، به نقل از: ناسخ التواریخ قاجاریه، سپهر، چاپ جهانگیر قائم مقامی، ۱ / ۱۵۶؛ روضه الصفا، هدایت، چاپ خیام، ۹ / ۵۰۹ و ۵۱۰؛ تاریخ عضدی، چاپ کوهی، صص ۲۷ – ۲۶.

[۲۱] ر.ک، قبله عالم، عباس اامانت، ص ۲۲۶ و نیز ۲۸۶ و ۳۲۵.

[۲۲] رجال قاجاریه، صص ۱۶۰ ـ ۱۵۹.

[۲۳] الکواکب الدریه، ۱ / ۲۸۴.

[۲۴] کشف الحیل، ج ۳، چ ۴، صص ۹۳ –۹۲.

[۲۵] قرن بدیع، شوقی افندی، ۲ / ۳۳، ۸۳ و ۸۶؛ تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ص ۶۳۱، ۶۵۰ و ۶۵۷. نیز ر.ک، بهاءالله و عصر جدید، نوشته دکتر اسلمونت از عناصر شاخص بهائی، ص ۴۴.

[۲۶] تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ص ۶۵۷؛ اشراقات، حسینعلی بها، ص ۱۵۳ و ۱۵۵.

[۲۷] کتاب مبین، شامل سوره هیکل و الواح دیگر حسینعلی بها، ۱۳۰۸ق، ص ۷۶؛ قرن بدیع، ۲ / ۸۶. عبارت بها چنین است: یا ملک الروس... قد نصرنی احد سفرائک اذ کنت فی السجن تحت السلاسل و الاغلال بذلک کتب الله لک مقاماً لم‌یحط به علم احد الا هو...

[۲۸] قرن بدیع، ۲ / ۳۳.

[۲۹] مطالع الانوار...، ص ۵۹۳.

[۳۰] همان، ص ۶۱۱ -۶۱۲.

[۳۱] قرن بدیع، ۲ / ۸۳.

[۳۲] همان، ص ۲۹۷.

[۳۳] بهاءالله و عصر جدید، ص ۴.

[۳۴] مطالع الانوار، ص ۶۱۸. نیز ر.ک، به دیگر منبع بهائی: عهد اعلی...، ابوالقاسم افنان، ص ۴۹۶ و ۵۰۰.

[۳۵] الواح مبارکه حضرت بهاءالله جل ذکره الاعلی شامل: اشراقات و...، همان، صص ۱۰۴ ـ ۱۰۳. نیز ر.ک، همان: ص ۱۵۵؛ لوح خطاب به شیخ محمد تقی اصفهانی معروف به نجفی، بهاء الله، لجنه نشر آثار امری، لانگنهاین، ۱۳۸ بدیع، صص ۱۶ ـ ۱۴.

[۳۶] قرن بدیع، ۲ / ۸۶.

[۳۷] کتاب مبین، چاپ ۱۳۰۸، ص ۷۶: یا ملک الروس ان استمع نداء الله الملک القدوس ثم اقبل الی الفردوس...

[۳۸] قرن بدیع، ۲ / ۸۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشـگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم مـا که به دستش رسیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹